بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 30 آذر 1395.

بحث در مورد این بود که متعارضین آیا می توانند نفی ثالث کنند یا نمی توانند؟ دو تا تقریب اصلی در این باب هست. تقریب اول این است که متعارضین از حجّیت تعیینیه ساقط شده اند. اینکه هر دوشان به عنوان تفصیلی شان حجت باشند این به تعارض ثابت شده اند. ولی حجّیّت احدهما لا به عین اشکال ندارد و این حجّیت احدهما به لا به عین ولو در مدلول مطابقی اثر ندارد ولی لازمه مدلول التزامی اش که نفی ثالث باشد مانعی ندارد به آن اخذ می کنیم. در مورد این بحث کردیم و گفتیم که یک اشکال صغروی دارد، در واقع یک اشکال ثبوتی مطرح است و یک اشکال اثباتی. اشکال ثبوتی این بود که اساسا حجّیّت واحد لا به عین معقول هست یا نیست. گفتیم که مانعی ندارد و لازم نیست حجّیّت روی عناوین تفسیریه برود و روی وجودات خارجیه رود. اصلا حجّیت می تواند روی عناوین برود. و مصبّ حجّیت می تواند عنوان ها باشد لازم نیست حتما معنونات خارجی باشد که معنونات خارجی ظرف تعین است و احدهما لا به عین در خارج وجود منحاز ندارد. خب این یک مرحله بحث مشکل ثبوتی بود یک مشکل اثباتی این است که اثباتا حجیت روی اشیاء خارجیه رفته است و آن اشیاء خارجیه ظرف تعیّنات هستند. اشکال اثباتی این است که ادله اثباتی ما قاصر هست از اثبات وقتی می گوییم خبر الواحد ثقهٌ، خبر الواحد آن اخبار واحد خارجی را می گوید. عناوین خبر واحد موضوع مستقلی برای حجیت نیست. و در عالم خارج هم ما مقیّنات فقط وجود دارند. عالم خارج با تعین ... خب این را هم عرض کردیم که درست است اگر به ادله لفظی حجیت خبر واحد بخواهیم تمسک کنیم مطلب همین جور است ولی ما در واقع از باب اینکه مناط حجیت که کاشفیت هست عنوان احدهما لا به عین هست را حجت می دانیم. اساسا کاشفیت که روی خارج می رود به اعتبار عنوانی هست که برای آن خارج منطبق می شود و مقوم کاشفیت عناوین تفسیریه نیست و بحث حساب احتمالات و آن بحث ها را که مطرح می کردیم در مورد همین بود که می گفتیم کاشفیت عنوان اجمالی از کاشفیت عناوین تفسیریه بالاتر است. و آن محاسبات حساب احتمالاتی در این زاویه بود . حالا یک سری محاسبات روی بحث های حساب احتمالاتی هست که من در بحث نمی خواهم وارد آن بشوم ولی دوستان این را تأمل کنند ما در کلاس راهنما روی آن صحبت می کنیم و سؤال این بود که اگر مثلا خبر زید 99 درصد احتمال صدق داشت خبر عمرو هم 99 درصد. خبر بکر هم به 99 درصد. اگر سه خبر باشند با علم به اینکه دوتا از آنها کاذب هست، احتمال صدق سومی با فرض علم به کاذب بودن دوتاش چه مقدار است؟ همچنین در چهار تا بافرض علم به کذب سه تا احتمال صدق چهارمی چقدر است؟ حالا این را روی 99 درصد در نظر بگیرید و روی پنجاه درصد هم در نظر بگیرید. این سؤال را برای شنبه د ر کلاس راهنما صحبت می کنیم در موردش دوستان فکر کنید. این هست که

سؤال این است که سه تا خبر داریم. احتمال صدق هر یک از اینها ذاتا 99 درصد است. و ما می دانیم که دو تا از این سه تا خبر کاذب است. با فرض علم به کاذب بودن دو خبر از سه خبر، احتمال صدق خبر سوم به همین عنوان اجمالی چند درصد است؟ حالا در مورد چهار تا هم همین. اگر چهار خبر داشته باشیم و احتمال صدق هر کدام 99 درصد باشد، احتمال صدق خبر چهارم با فرض علم به کذب سه خبر علی نحو الاجمال چیست؟ می دانیم از این چهار خبر سه تا خبر کاذب است. مثلا یک خبر گفته است که نماز جمعه واجب عینی است و یک خبر گفته است که واجب تخییری است و یک خبر گفته است که حرام است. دو تا از اینها حتما باطل است. احتمال اینکه خبر سوم هم باطل باشد چقدر است؟ آن سؤال هست. البته طبیعتا باید مفروض این باشد که اگر سه تا هستند فرض چهارم هم احتمال داشته باشد و الا اگر فرض چهارم احتمال نداشته باشد این بحث ها روشن است.

سؤال:

پاسخ: احتمال صدق هر یک از اینها ذاتا 99 درصد است و علم داریم که از سه خبر دو خبرش کاذب است. احتمال صدق خبر سوم با فرض علم به کذب دو خبر علی نحو الاجمال. احتمال صدق خبر چهارم با فرض علم به خبر سوم. همین جور تعداد را هر چه بیشتر کنیم یک دانه از آن کم کنید تا بدانیم منهای آن یک دانه بقیه همه کاذب است. همین جور تعداد بیشتر شود این مقدارش چند است؟ این یک سؤال. سؤال دوم، حالا ما روی 99 درصد ذکر کردیم این را روی پنجاه درصد بیایید تطبیق کنید. احتمال صدق سه تا خبر هستند هر کدام احتمال صدقشان پنجاه درصد است. ما یقین داریم یکی از این خبر ها کاذب است. از دو تا شروع کنیم حالا اینجا چون دو تا را اصلا محاسبه نکردیم اینجا را از دو تا شروع کنیم. دو تا خبر داریم هر کدام احتمال صدقشان پنجاه درصد است. یقین داریم که یکی از اینها کاذب است. یقین به کذب احدهما داریم. احتمال اینکه دومی هم کاذب باشد چقدر است؟ پنجاه درصد. اگر سه تا باشند که دو تا از اینها کاذب است یعنی احتمال اولیه را، احتمال صدق را به جای 99 درصد پنجاه درصد در نظر می گیریم. دو تا خبر سه تا خبر چهار تا خبر امثال اینها چطور محاسبه می کنیم که قبلا کلیتش را هم عرض کردم ما در واقع برای محاسبه اینها باید این را در نظر بگیریم، حالت های ممکن ما چقدر است؟ حساب احتمالات بر مبنای حالت مطلوب تقسیم بر حالات ممکن است. اینکه شما یک فرض می کنید که یقین دارم یکی از اینها کاذب است به دو تا از اینها کاذب است یا سه تا از اینها کاذب است. این یقین به کذب حالت های محتمله را کم می کند. مثلا اگر در آن دو تا را که قبلا عرض کردیم این جور بود می گفتیم که اگر دو تا خبر باشد که احتمال صدق هر کدام 99 درصد باشد. اگر علم به کذب احدهما نداشته باشیم، حالت هایی که این دو تا خبر در آن متصور هست ده هزار حالت است. چرا؟ چون خبر اول صد حالت دارد خبر دوم صد حالت دارد هر یک از این صد حالت با صد حالت بعدی قابل جمع است. صد صد تا ده هزار حالت محتمل هست از این ده هزار حالت فقط یکی از این حالت ها کاذب است. اینکه هر دو کاذب باشند. در نتیجه احتمال کذب هر دو می شود یک ده هزارم و احتمال صدق احدهما لا به عین می شود 9999 بر روی ده هزار. همیشه این قانونش را هم در نظر بگیرید خیلی وقت ها برای محاسبه احتمال صدق احدهما، احتمال کذب را در نظر می گیریم، کذب همه یعنی نقیض را در نظر می گیریم و نقیض را که از یک کم کنیم احتمال مطلوب ما می شود. احتمال کذب یعنی کذب همه اخبار، ما صدق احدهما لا به عین نقیض هستند. احتمال کذب همه اخبار را وقتی در نظر گرفتیم و به دست آوردیم، احتمال صدق احدهما به دست می آید. این خیلی وقت ها این جوری راحت تر هست که احتمال کذب همه را در نظر بگیریم بعد آن را از یک کم کنیم احتمال صدق احدهما به دست می آید. اینکه ما می گوییم یک ده هزارم احتمال کذب هر دو است در جایی که یقین به کذب احدهما نداشته باشیم احتمال صدق احدهما لا به عین

خب 9999 ده هزارم، این همه در صورتی بود که ما یقین به کذب احدهما نداشته باشیم. ولی اگر یقین به کذب احدهما داشته باشیم معنایش این است که صورتی که هر دو اینها صادق باشند، این از صورت های محتمل ما بیرون اس. فقط صورت هایی هست که یکی از اینها باید کاذب باشند. و صورتی که هر دو کاذب باشند هم بیرون نیست از محتملات هم بیرون نیست. یعنی ما الآن که می خواهیم محاسبه کنیم اول کاذب بودن هر دو را محاسبه می کنیم بعد می خواهیم از یک کم کنیم. یعنی ما ابتدا برای اینکه این رابطه مناسب باشد کذب مجموع را در نظر می گیریم. کذب مجموع را از یک کم کنیم صدق احدهما به دست می آید. حالا صدق مجموع را بخواهیم در نظر بگیریم چطوری به دست می آوریم، می گوییم 99 حالت، حالتی هست که تنها خبر اول کاذب است. اینکه خبر اول کاذب باشد 99 حالت دارد. می خواهیم ببینیم که چه حالت هایی هست که حداقل یکی از آنها کاذب است. حد اقل یکی از آنها کاذب است 99 حالت خبر اول کاذب است و خبر دوم صادق است. یعنی اگر خبر دوم صادق باشد، و فقط یک خبر کاذب داشته باشیم 99 حالت است دیگر.

سؤال: حداکثر یکی از آنها کاذب باشد یا حد اقل؟

پاسخ: نه حد اقل یعنی می خواهیم بگوییم اگر فقط یکی از آنها کاذب باشد. حالت هایی که فقط یکی از آنها کاذب باشد چند حالت داریم؟ فقط اولی کاذب بشد. می خواهم حالت های ممکن را در نظر بگیریم. فقط یکی شان کاذب باشد چند حالت دارد؟ چون دومی در 99 حالت صادق است یک حالت کاذب است. آن یک حالتی که کاذب است مورد بحث ما نیست چون ما می خواهیم جایی که فقط اولی کاذب باشد را در نظر بگیریم. فقط اولی کاذب باشد باید دومی صادق باشد. یعنی 99 حالتی که دومی صادق هست، 99 حالت از حالت های ما فقط اولی کاذب است. 99 حالت هم فقط دومی کاذب است. یک حالت هم هر دو کاذب هستند. یعنی از حالت های ممکنی که هست 99 حالت آن فقط اولی کاذب است و 99 حالت آن فقط دومی کاذب است و یک حالت آن هر دو کاذب هستند. در غیر آ« صورت ها هر دو صادق هستند که از بحث ما خارج است.

سؤآل:

پاسخ: 99 درصد احتمال صدق است بنابر این یک درصد احتمال کذب است. یک درصد احتمال کذب یکی از صد تا است. آن یکی هم یکی از صد تا است. پس اینکه هر دو کاذب باشند، یک صورت است. آن که اولی کاذب باشد دومی صادق باشد 99 حالت است. چون 99 حالت صدق دومی است. در فرض صدق او این بخواهد کاذب باشد چون 99 حالت صادق دارد آن، اینکه آن بخواهد کاذب باشد آن 99 حالت های صدق دومی هر کدام یک حالت احتمال کذب دارد. پس بنابراین اینکه اولی کاذب باشد 99 حالت می شود. اینکه دومی کاذب باشد و اولی صادق باشد آن هم 99 حالت است. بنابراین 99 به علاوه 99 به علاوه یک می شود 199 حالت. حالت هایی که با این فرض ما محتمل است 199 حالت است. 199 حالت ممکنه است. می خواهیم در این حالت های ممکنه ما احتمال کذب هر دو را در نظر بگیریم، احتمال کذب هر دو می شود چقدر؟ یک صورت. یک بر صد و نود و نه. بنابراین احتمال صدق احدهما لا به عین می شود 198 بر روی 99.

سؤال:

پاسخ: حالا این را فکر کنید در کلاس راهنما. ببینید سه تا چقدر می شود چهار تا چقدر می شود این در 99 درصد است. پنجاه درصد را هم در نظر بگیرید چقدر می شود اینها یک سری بحث های خیلی ظریف دارد یک مقدار که بیشتر شود یک عوامل جدیدی هم در چیزهای بالا وارد می شود. تعداد که زیاد شود این جوری محاسبه نمی شود و محاسبات تغییر می کند. محاسبات یک نکات جدیدی دارد که حالا بگوییم همین مقدار اکتفا می کنیم

سؤال:

پاسخ: هر دو کاذب جزو حالات ممکنه است هر دو صادق نیست

سؤال: دو تا کاذب است و یک دانه اش یعنی می دانیم که

پاسخ: آنجا فرض باید این شکلی کنیم که دو تا از آنها کاذب است در سه تا دو تا باید کاذب باشد. پس بنابراین باید لا اقل دو تا کاذب باید باشند. لا اقل باید دو تا کاذب داشته باشد آنجا. آن حالا یک قدری محاسباتش به این راحتی نیست یک کمی محاسباتش فرق دارد ولی آن محاسباتش را چیز کنید و این محاسبات که زیاد شود یک پارامتر های جدیدی هم وارد می شود و محاسبات را تغییر می دهد آنها را من در کلاس راهنما اصل نحوه محاسباتی اش را یک قدری دوستان کار کنند، اصل موضوع روشن شود آن پارامتر های جدیدش را بعدا انشاءالله توضیح می دهیم.

سؤال:

پاسخ: یعنی یک بر روی 199 را از صد و نود و نه صد و نود و نهم کم کردیم شد صد و نود و هشت صد و نود و نهم. احتمال کذب هر دو یک بر روی 199 است. بنابراین احتمال صدق احدهما می شود صد و نود و هشت صد و نود و نهم. چون مطلوب این است دیگر. احتمال صدق احدهما. و صد و نود و هشت صد و نود و نهم، از نود نه صدم بیشتر است. تقریبا آن احتمال کذب را که در نظر بگیریم نصف می شود. تقریبا نصف می شود یک مقداری از نصف کمتر است. خب این سؤال این است که نحوه محاسبات اینها را فکر کنید انشاء الله شنبه کلاس راهنما صحبت می کنیم. نکاتی در این بحث است که این را می خواهم بگویم نتیجه گیری که الآن می خواهم بکنم که گاهی اوقات ممکن است خود خبر ها حجت نباشند ولی احدهما لا به عین آن حجت باشد. خود خبرها احتمال کذبش در حدی باشد که عقلا به آن اعتنا کنند ولی به احدهما یا احدهم وقتی چند تا شد تعداد زیاد شد احتمال کذب آن تضعیف می شود به طوری که خودشان حجت نیستند ذاتا حجت نیستند نه بالمعارضه. ذاتا حجت نیستند ولی احدهما اش حجت است. این بحث های ظریفی دارد که انشاءالله در کلاس راهنما روی آن صحبت می کنیم. بگذارید اصل بحث یک مقداری دوستان روی آن ور بروند و پخته شود تا بعدا محاسبات دقیقش را عرض کنم. این اصل راه حل اول بود. یک ان قلتی اینجا مطرح است. آن ان قلت این است که شما می گویید که احدهما حجت هست. حجیت احدهما مدلول مطابقی اش که اثر ندارد. چون احدهما که تعین ندارد که. یکی می گوید نماز جمعه واجب تعیینی است و یکی می گوید واجب تخییری است مثلا. بنابراین این احتمال حرمت نماز جمعه را می خواهیم با این دفع کنیم. اینکه شما می گویید یکی از اینها حجت است. حجیت یکی از اینها را برای اثبات مدلول مطابقی اش می گویید که به جهت عدم تعیّن حجّیت ندارد. برای اثبات مدلول التزامی اش می گویید، مدلول التزامی هم بنا بر تحقیق در حجّیّت تابع مدلول مطابقی است. پس چجوری شما می خواهید حجّیّت را اینجا اثبات کنید؟ خب این ان قلت. پاسخ مطلب این است دو تا پاسخ دارد. دو گونه می شود پاسخ داد به نحو مترتّب من عرض می کنم. یک جورش این است که ما این جوری بگوییم، اینکه شما می فرمایید مدلول مطابقی اگر حجّت نباشد، مدلول التزامی هم از حجّیّت می افتد، تبعیّت مدلول التزامی نسبت به مدلول مطابقی در حجّیّت، این مطلب به نحو کلی صحیح نیست. آن بحث هایی که در تبعیّت مدلول التزامی نسبت به مدلول مطابقی هست در ما نحن فیه نمی آید. توضیح و ذلک اینکه، اینکه مدلول مطابقی یک دلیل حجت نیست جهاد مختلفی می تواند داشته. یکی اینکه گاهی اوقات به خاطر اینکه علم داریم که مدلول مطابقی، مطابق واقع نیست. علم تفصیلی به عدم مطابقت مدلول مطابقی با واقع دارد. یک موقعی هست که علم تفصیلی نداریم علم اجمالی داریم که یا این مدلول مطابقی مطابق واقع نیست یا مدلول مطابقی دیگر مطابق واقع نیست. طرف علم اجمالی به کذب قرار گرفته است. و به دلیل علم اجمالی به کذب، هر دو طرف از حجّیّت ساقط شده اند. این هم یک جور دیگر. در این دو مورد همین جور است. اگر مدلول مطابقی از حجّیّت افتاد، مدلول التزامی حجّت نیست. تفسیرش را بعدا ذکر می کنیم. در جلسات آینده در مورد علت این و ان قلت و قلت هایی که در این زمینه هست صحبت می کنیم. ولی اگر مدلول مطابقی علتی که حجت نباشد این است که مثلا اثر ندارد. یک کسی خبر می دهد که مثلا در کره ماه آب وجود دارد. خود این که در کره ماه آب وجود دارد، هیچ اثر ندارد. ولی اگر لازمه این که در کره ماه آب وجود داشته باشد این است که این مثلا مایعی که اینجا هست آب باشد. فرض کنید یک آزمایشی انجام دادیم دیده ایم که آن چیزی که در کره ماه است شبیه این است دقیقا. اگر آن که در کره ماه هست آب است این که اینجا روی زمین هست هم آب است. بنابراین می شود با آن وضو گرفت. مدلول مطابقی آب بودن مایعی در کره ماه است. مدلول التزامی آب بودن مایعی که پیش روی ما هست. اگر این جا مدلول مطابقی حجت نباشد به دلیل اینکه از محلّ ابتلاء من خارج است ذی اثر نیست و اینها. اینجا وجهی ندارد که مدلول التزامی از حجّیت بیفتد. اینجا مدلول التزامی حجت است. یا مثلا در مدلول مطابقی به دلیل اینکه در یک موضوع خاصی هست تعدد معتبر باشد. فرض کنید چون مورد تنازع است. مردد است که این لیوان مال زید است یا مال عمرو است. یک کسی می آید خبر می دهد که این مال زید است و کسی دیگر، خب این کسی که می آید و خبر می دهد که این مال زید است این حجت نیست مدلول مطابقی اش چون دعوا است. در دعوا هم بینه می خواهیم تعدد معتبر است. ولی اگر می دانیم اگر مال زید باشد حتما آب کشیده است و پاک است. قبلا نجس بوده است و زید آدم وسواسی است و نمی گذارد یک لحظه بماند. آن کسی که خبر می دهد این مال زید است اخبار به پاک بودن آن هم می دهد. اینجا مدلول مطابقی چرا حجت نیست؟ چون تعدد معتبر است در باب تنازع. ولی مدلول التزامی اش مانعی نیست اخذ کنیم و به آن اخذ می کنیم. از باب اینکه تعدد مثلا معتبر است.

سؤال:

پاسخ: لازم نیست که اثبات شود. فرض این است که مدلول مطابقی، فرض این است که این متکلم یک دلالت مطابقی کلامش دارد، هذا لزیدٍ. یک دلالت التزامی دارد هذا طاهر. هذا لزیدٍ به دلیل اینکه در موارد تنازع شهادت عدل واحد معتبر نیست حجت نیست.

سؤال: خب برای ما هم نیست

پاسخ: بحث سر این است، حجت نیست ولی مدلول التزامی اش اینجا وجهی ندارد حجت نباشد. مدلول التزامی اش این است که هذا طاهر.

سؤال: تردید داریم در مدلول مطابقی

پاسخ: داشته باشیم تردید داشته باشیم. تعبدا بحث این است. دلیل حجیت اینکه مدلول مطابقی را نگرفت، دلیل حجیت خبر واحد در باب تنازع را نمی گیرد. حجیت خبر واحد نسبت به باب تنازع تخصیص خورده است. در باب تنازع بنا بر اینکه ما خبر واحد را در موضوعات حجت بدانیم باب تنازع خارج است ولی کاشفیتش موجود است و از بین نرفته است. فرق این با آن حالت علم اجمالی و طرف علم اجمالی بودن و علم تفصیلی بودن این است که این ملاک کاشفیتش از بین نرفته است. یا مثلا یک مثال دیگر، گاهی اوقات مدلول مطابقی، یک خبری هست ظن آور مدلول مطابقی اش ظنی است و مدلول التزامی اش ظنی است. مدلول مطابقی اش ظن در آن حجت نیست ولی مدلول التزامی اش ظن در آن معتبر هست. به دلیل اینکه مثلا فرض کنید انسداد باب علم هست در آن باب. نسبت به مدلول التزامی باب علم مسدود است و ظن در آن حجت است. نسبت به مدلول مطابقی اش باب علم مسدود نیست. این جور موارد که کاشفیتش موجود است ولی آن درجه کاشفیت نسبت به مدلول مطابقی به درد نمی خورد ولی نسبت به مدلول التزامی به درد می خورد. در این جور موارد. این در تمام مواردی که کاشفیت هیچ گونه ضربه ای وارد نمی شود، اینجا دلالت التزامی تابع دلالت مطابقی نیست.

سؤال:

پاسخ: آنجا کاشفیتش از بین می رود. بحث سر این نیست که خیلی نمی خواهیم روی لفظ بحث کنیم که کاشفیتش یعنی چه از بین می رود یا نه. بحث سر این است که حالا مواردی که به علم تفصیلی آن اماره عدم مطابقتش با واقع اثبات شود یا به علم اجمالی عدم مطابقتش با واقع طرف علم اجمالی باشد اینجا مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی نیست. اگر مدلول مطابقی از حجیت افتاد مدلول التزامی هم بیفتد. بحثش را بعدا می کنیم. ولی در غیر این صورت ها مدلول مطابقی اگر از حجیت بیفتد مدلول التزامی از حجیت نمی افتد. در ما نحن فیه همین جور است. اینکه شما در اینجا مدلول مطابقی می گویید احدهما لا به عین نسبت به مدلول مطابقی اش اثر ندارد پس حجت نیست. چون اثر ندارد حجت نیست. چون تعیّن ندارد خب تعیّن ندارد اینکه بدانیم یکی از این دو تا وجوب یا حرمت، وجوب عینی یا تخییری مثلا موجود است این نسبت به مدلول مطابقی اثر ندارد پس حجت نیست. ولی نسبت به مدلول التزامی چون تعیّن دارد، علی أیّ تقدیر حرمت نیست آن اثر دارد آن حجت است. بنابراین اینکه شما گفتید مدلول مطابقی اگر حجت نباشد مدلول التزامی هم حجت نیست نه این جور نیست. این یک روش. روش صحیح در جواب همین است. اما اگر کسی این روش را نپذیرد بگوید که این جور درست نیست. ما می گوییم که چه کسی گفته است که اینجا مدلول مطابقی از حجیت می افتد؟ مدلول مطابقی از حجیت افتادنش به این خاطر بود که لغو می شد. ولی اگر ما حجیت مدلول مطابقی چون مقدمه می شود بر حجیت مدلول التزامی، لغو که نیست. بحث اینکه مدلول مطابقی به خاطر لغویت بود. حجیّت مدلول مطابقی چون مقدمه هست چون اگر بخواهد مدلول التزامی حجت باشد باید مدلول مطابقی حجت باشد پس ما می گوییم مدلول مطابقی را شارع حجت قرار داده است تا مدلول التزامی را حجت کند و لغو هم نیست. و همین مقدار کافی است. هیچ لغویتی پیش نمی آید. پس بنابراین اینجا هم مدلول مطابقی حجت است و مدلول التزامی هم حجت است هیچ مشکلی هم نیست. ولی عرض کردم وجه صحیح تر وجه اول است اینجا مدلول مطابقی حجت نیست.

سؤال:

پاسخ: حجیت یعنی شارع گفته است که شما این را مطابق واقع فرض کن. گفته است این کأنه علم است. البته می گویم این وجه دوم وجه درستی نیست وجه صحیحی نیست وجه صحیح همان وجه اول است. ولی اگر کسی بخواهد آن وجه اول را انکار کند ما این وجه دوم را

سؤال:

پاسخ: حجیت یعنی اینکه شارع این را معتبر کرده است. شارع گفته است که آثار علم را بار کن. آثار علم را اگر شما می گویید که حتما باید آثار علم روی خود این مدلول باشد خب لغو است. می گوییم همین مقدار که اگر گفته است این را حجت قرار بده می توانیم مدلول التزامی اش را هم حجت کنیم و مدلول التزامی اثر دارد همین مقدار کافی است برای اینکه اعتبار حجیت لغو نباشد.

سؤال: بگوییم شارع یک همچین چیزی را دیده است بعد...

پاسخ: اشکال ندارد من می خواهم بگویم که مطلب صحیح تر این است که اصلا اینجا حجت نیست. چون اصل این چیز را در اینجا ما تصور کردیم که بدون حجت قرار دادن مدلول مطابقی نمی شود مدلول التزامی حجت قرار داده شود. این را فرض کردیم و الا اگر این را فرض نکنیم چه داعی دارد خود التزامی مستقیما حجت است. یعنی باز لغویت پیش می آید. این علتی که ما می گوییم لغو نیست علت این است که فرض کردیم که اگر بخواهد مدلول التزامی را حجت کند حتما باید مدلول مطابقی اش هم حجت باشد. ما می گوییم یک همچین اصلی را قبول نداریم. وقتی همچین اصلی را نگفتیم مستقیما فقط مدلول التزامی حجت باشد. اگر تابع نباشد لغو است. شما علاوه بر مدلول التزامی بخواهید مدلول مطابقی را حجت کنید چه فایده ای دارد؟ مدلول التزامی را که حجت کردید که آن اثر بر آن بار شده بود. جواب دوم بنابر این فرض است که اگر گفتید که نمی شود مدلول التزامی را مستقیما حجت کرد. اگر گفتید می شود خب لغو است مدلول مطابقی را بخواهید حجت کنید که قول صحیح هم همین است. خب این مرحله اول بحث از حجّیّت اجمالی که این روش صحیح است بنابراین نفی ثالث پیش می آید. اثباتا هم عرض کردیم که ملاکا، اثباتا به دلیل اینکه ملاک حجّیت وجود دارد اینجا ها ملاک حجیت طریقیت است و طریقیت واحد بما لا به عین قوی تر است همین مقدار کافی است برای حجیت. بله اگر ملاک حجیت طریقیت نبود و موضوعیت دارد در یک موردی بود که اماره ما صرفا اماره نبود جنبه موضوعیت در آن مطرح بود خب این بیان نمی آید. تقریب دوم تقریب این است که گفته اند که مدلول مطابقی دو دلیل از حجّیّت که بیفتد وجهی ندارد که مدلول التزامی اش از حجیت بیفتد. این کلام مرحوم نایینی است. مرحوم نایینی می فرمایند که دو خبر متعارض، در مدلول مطابقی از حجّیّت می افتد. ولی مدلول التزامی اش از حجّیّت نمی افتد و ایشان مدعی است که مدلول التزامی در اصل وجود و دلالت تابع مدلول مطابقی است ولی در حجّیّت تابع نیست. به تناسب این بحث کبری اینکه آیا مدلول التزامی در حجیت تابع مدلول مطابقی است اینجا مطرح شده است. اینجا این موضوع مطرح شده است. در چند جا این بحث تبعیت مدلول مطابقی نسبت به مدلول التزامی در کلمات اصولیون مطرح هست. به نظرم در سه جا من دیدم ولی الآن عجالتا دو جا در ذهنم هست. سه جا. یکی به تناسب بحث ترتب و اینکه کشف ملاک آنجا این بحث مطرح است که اگر شخصی در جایی که اهمّ و مهم با هم تزاحم کرد، اهم را ترک کرد و مهم را اتیان کرد. آیا عملش صحیح است یا نیست؟ بعضی ها با ترتب حل کرده اند و صحت مهم را اثبات کرده اند. مرحوم آخوند با اینکه می گوید مهم ملاک دارد مشکل را حل کرده است. بحث ملاک این مشکل را دارد که می گویند که ملاک دار بودن مهم، مدلول التزامی دلیل است. دلیل ایجاب مهم، مدلول مطابقی اش ایجاب مهم است. مدلول التزامی اش این است که مهم ملاک دارد. ما مدلول مطابقی اش را وقتی به خاطر تزاحم با اهم از آن رفع ید کردیم و گفتیم که واجب نیست، چجوری می خواهید ملاک را اثبات کنید؟ کاشف از ثبوت ملاک نداریم. اینجا به تناسب این بحث، بحث اینکه آیا مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی هست مطرح شده است. به نظرم مرحوم آقای خوئی در همین جا هم این بحث را مطرح کرده است که آیا مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی است یا نه. اینها می گویند که ایجاب مهم که مدلول مطابقی دلیل وجوب باشد وقتی ساقط شود، مدلول التزامی اش سر جای خودش باقی است به این وسیله کشف ملاک می کنیم. یکی در همین بحث ما نحن فیه هست که بحث نفی ثالث هست که این بحث را مطرح کرده اند. یکی در بحث تزاحم است. در بحث تزاحم البته در بحث تزاحم، بحثش شبیه همان بحث ترتّب است برای کشف ملاک است ولی بحث تزاحم گاهی اوقات در تعادل تراجیح مطرح می شود. محلّ طرح بحث را می خواهم بگویم و الا بحثش یکی است. آنجا هم در بحث تزاحم برای کشف ملاک این مطلب است. اینجا آقای خویی بیانی دارند و آقای صدر مفصل به این بحث پرداخته اند انشاء الله فردا در موردش صحبت خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد